

کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب

سهم گیری موثر سکتور خصوصی در انکشاف افغانستان

پوتنسیل مشارکت سکتور خصوصی و عامه در افغانستان

سند معلوماتی برای کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب تهیه شده است توسط:

دپارتمنت موسسات سکتور خصوصی، بانک انکشاف آسیایی
مایکیل بیرو و مارتین تورنبرگ

ارایه خدمات به آن مواجهه است حل نماید، آنها وقتی میتوانند برای کم کردن و یا فایق آمدن بالای بعضی از مشکلات که در فوق مطرح گردید کمک نمایند که محیط مناسب و حمایت ساختاری ایجاد گردد.

سودمندیهای عمده مشارکت سکتور خصوصی و عامه شامل ذیل اند:

- با آوردن سکتور خصوصی به موقف معین زیربنایی، حکومت میتواند بودجه خود را به شیوه بمصرف برساند که تعداد زیربنا هائی را که میتوان با بودجه اندک انکشاف داد از دید بپوشد و حکومت مجال آنرا داشته باشد تا روی زیربنا و سائر مصارف اجتماعی که مورد علاقه سکتور خصوصی نیست تمرکز نماید.
- اندازه بالفعل سرمایه گذاری سکتور خصوصی در زیربنای خدمات عامه در تخمینی که از سوی بانک جهانی صورت گرفته نشان داده شده است که از سال 1990 بدینسو خطر انتقال پروژه های برق، آب، مخابرات و ترانسپورت به سکتور خصوصی (از طریق یک سلسله وسیع مشارکت های عامه-خصوصی در بیش از 130 کشور روبه انکشاف) منجر به بسیج نمودن 750 میلیارد دالر امریکائی تعهد سرمایه گذاری گردیده است.

- مشارکت های عامه-خصوصی مجال یکجا شدن اداره سکتور خصوصی و نظارت را ضمن اینکه نیروی سکتور خصوصی در ارائه اموال و خدمات را تحت کنترل میآورد فراهم مینماید. بناً ارائه خدمات عامه میتواند از نیروی سکتور خصوصی در ساحات مانند تحلیل هزینه و منفعت، تمویل، مهارت، نوآوری، سرعت، انحطاف پذیری و مدیریت مستفید گردد.

- مشارکت های عامه-خصوصی سودمندیهای انتقال خطر حقیقی به سکتور خصوصی را فراهم مینماید. این بمثابه ناثباتی کمتر در مورد مصارف آینده، آسایش از محدودیت های بودجوی و آزاد ساختن ظرفیت مدیریت در چارچوب حکومت تعبیر میگردد.

1. اهمیت مشارکت سکتور خصوصی و عامه برای کشورهای پسمانزعه

یک تعداد فکتورهای عام کشورهای پسا منازعه چون افغانستان نظریه مشارکت سکتور خصوصی و عامه را برای ارایه خدمات عامه با هم مرتبط میسازد:

- مردم کشورهای پسا منازعه ضرورت بیشتر به زیربنای اساسی دارند، زیرا که: (1) انقطاع خدمات یا تخریب وسایل موجود، و (2) محدودیت پروژه ها یا عدم ایجاد پروژه های جدید در خلال منازعه.
- همزمان با این سکتور عامه و خصوصی این کشورها به کمبود منابع مالی و فنی مواجه هستند، تا بتوانند این خدمات را به زودی احیاء نمایند. از اینرو اکثر کشورهای پسا منازعه به تمویل کنندگان بین المللی و سرمایه گزاران خصوصی جهت اخذ منابع مراجعه مینمایند.
- سرمایه گزاران خصوصی بین المللی نمیخواهند که خود را با سرمایه گذاری در این کشورها به خطرهای زیاد مواجه سازند، تا وقتیکه یک خط مشی واضح برای محیط با ثبات سرمایه گذاری از نقطه نظر امنیتی و زمینه اقتصاد با ثبات، ایجاد نگردیده است!
- سکتورهای عامه مجبور به جذب ظرفیت های ضعیف هستند. در عین حال، اولویتهای پالیسی در دوره ابتدایی صرف به صورت ظاهری مسایل متمرکز خواهد بود تا به ایجاد یک محیط سرمایه گذاری که بتواند توجه سرمایه گزاران خصوصی بالقوه را در عرصه های منافع عامه جلب نماید.
- از اینرو، همیشه یک معمای تلخ وجود خواهد داشت، در چند سال اول بازسازی، دولت نمیتواند کمکهای بازسازی را جذب نماید و همچنان نمیتواند سرمایه گذاری خصوصی را به قدر کافی که بتواند جذب ظرفیتهای ضعیف دولت را جبران نماید، جلب کند.

باید خاطر نشان ساخت که مشارکت سکتور خصوصی و عامه نمیتواند تمام چالشهای سکتور عامه در رابطه با ایجاد زیربنا

مشارکت سکتور خصوصی و عامه چیست؟

نظریه مشارکت سکتور خصوصی و عامه یک پدیده نو نبوده و انواع مختلف دارد. این مشارکتها اساسا مظاهر مختلف برنامه های خصوصی را که با سکتور عامه کار مینمایند و در یک رابطه دارای مسئولیت متقابل و حسابدهی دو جانبه قرار دارند، به شمول رابطه داوطلبانه یا قراردادی، مشارکت سرمایه گذاری، خطر و مسئولیت مشترک در برنامه ریزی و طرح و تطبیق، در برمیگیرد. مشارکت سکتور خصوصی و عامه زمینه گذار دولت را از اداره و تهیه خدمات به تقویت و تنظیم برنامه های سکتور خصوصی که خدمات را ارائه میدارند فراهم میسازد.

بطور بسیار خاص:

مشارکتهای سکتور خصوصی و عامه برای خدمات و تولیداتی مورد استفاده قرار میگرد که خدمات کلی برای مردم محسوب گردد. این مشارکتها معمولا فعالیتهای صنعتی یا تجاری را که بطور عام توسط سکتور خصوصی به اساس بازار انجام میگردد، در بر نمیگیرد.

اصل اساسی مشارکت سکتور خصوصی و عامه این است که خطرات مربوط به طرف ایکه قادر به جذب و کاهش آن است باید معین گردد. بعضی از خطرات با سکتور عامه باقی خواهد ماند، و تعیین منصفانه خطر مستلزم تعیین مکافات متناسب است.

سطح مشارکت سکتور خصوصی و تقسیم خطر به اساس یک تعداد عوامل، میتواند خیلی مختلف باشد. دامنه مشارکت میتواند (الف) قراردادهای محدود برای ارائه خدمات تکنیکی یا اداری توسط سکتور خصوصی و (ب) امتیازات کامل عملیات یا خصوصی سازی محدود را در برگیرد.

پروژه های مشارکت سکتور خصوصی و عامه بطور خاص به دو کتگوری دسته بندی گردیده است:

- **زیر بنای اقتصادی.** خدمات ایکه عواید دوامدار میتواند از آن بدست آید و برای سرمایه گذاری، عملیات و پاداشهای مربوط به خطر پرداخت گردد. برای همچو پروژه ها سکتور خصوصی آماده خواهد بود که تمام و یا یک قسمت قابل ملاحظه خطر بازار و عواید را متقبل گردد. مثالهای عمده این پروژه ها عبارتند از حق العبور و دیگر پروژه های ترانسپورتی، تولید انرژی، امتیازات پاکسازی آب و خدمات تلفونی.
- **زیربنای اجتماعی.** پروژه هاییکه توقع نمیرود استفاده کنندگان تمام مصارف حقیقی خدمات را برای سکتور خصوصی بپردازند تا آن بتواند خطر بازار و عواید را متقبل گردد، لیکن در جایکه مهارتهای اداری و عملیاتی سکتور خصوصی میتواند سودمند ثابت گردد. مثال های عمده این پروژه ها عبارتند از شفاخانه ها، مکاتب، استراحتگاه های دولتی، و توزیع برق و آب.

2. چالشهای مشارکت سکتور خصوصی و عامه در کشورهای سا منازعه

در بخش گذشته منافع بالقوه ایکه یک کشور میتواند از کاربرد نظریه مشارکت خصوصی و عامه برای ارائه بخشی از خدمات خود حاصل نماید، بحث گردید. از اینرو یک سلسله مقررات برای حصول نتایج مطلوب مشارکت سکتور خصوصی و عامه باید عملی گردد. معمولا در کشورهای روبه انکشاف و کشورهای پسا منازعه این شرایط تحقق نیافته و یا یک قسمت آن حاصل گردیده است.

مشکلات اساسا مربوط به سه عرصه آتی است:

- ساختارهای ضعیف موسساتی و قانونی هزینه های مشارکت سکتور خصوصی و عامه را بطور قابل ملاحظه بلند میبرد.
- توانایی و علاقمندی پایین مصرف کنندگان برای پرداخت یا سبسایدیهای پایین دولت، خطر عواید را بلند برده و قابلیت دوام پروژه را پایین میآورد.
- نسبت میزان بلند خطر سرمایه گذاری در کشورهای پسا منازعه، عواید سکتور خصوصی نسبت به کشورهای دارای ثبات سیاسی بیشتر است. ترکیب این سه فکتور میتواند باعث ایجاد "خلاء امکانبذیری پروژه وی گردیده و صرف بهترین پروژه های قابل تطبیق را اجازه فعالیت داد. از اینرو، استفاده از مدل مشارکت سکتور خصوصی و عامه در کشورهای روبه انکشاف (وپسا منازعه) خیلی چالش بر انگیز است (که خود تشریح کننده این امر است که چرا تا حال اینقدر کار کم صورت گرفته است).

چالشها کلیدی مشتمل است بر عدم:

قوانین ضروری

رسیدگی به مسایل اداری ایجاد یک واحد اختصاصی مشارکت سکتور خصوصی و عامه در داخل حکومت مرکزی است (به طور نمونه در سطح وزارت مالیه) و همچنان در داخل وزارتها و دیگر دیپارتمنتهای زیربط دولتی برای اداره پروژه مشارکت سکتور خصوصی و عامه، اصلاح و پخش پالیسی، توسعه روشهای بهتر و تجارب اندوخته شده.

قوانین مربوط به مشارکت سکتور خصوصی و عامه و تطبیق موثر و منصفانه این قوانین. قوانین کلیدی نکات آتی را در بر میگیرد:

به نمونه مثال، در سال 1999 دولت هالند یک مرکز علمی مشارکت سکتور خصوصی و عامه را (در چارچوب وزارت مالیه) با استخدام متخصصین سکتور خصوصی و دولتی ایجاد کرد. وظیفه این مرکز معرفی تجارب مشارکت سکتور خصوصی و عامه برای شرکت کنندگان، طرح مقررات و نمونه های واضح برای شناسایی مشارکت سکتور خصوصی و عامه و تدارکات بود. مرکز مذکور مقررات مربوط به معامله میان سکتورهای خصوصی و عامه، پیشنهاد پروژه های مناسب برای مشارکت سکتور خصوصی و عامه و تهیه مطالعات و گزارشها در مورد مشارکت سکتور خصوصی و عامه بشمول تجارب اندخته شده و پیشنهادات روشهای بهتر را طرح مینماید.

شفافیت لازم برای اینکه مشارکتهای سکتور خصوصی و عامه بشکل باز و به طریقه بلند بردن ارزش فراهم گردد

چیز اساسی ایکه میتواند برای مشارکتهای موفقانه سکتور خصوصی و عامه کمک نماید تا آنها در دراز مدت قادر به ارایه نتایج مطلوب در رابطه با خدمات و تهیه سرمایه باشند، رقابت است. صرف از طریق ایجاد و اداره یک پروژه رقابتی کاملاً باز و منصفانه مناقصه مشارکتهای سکتور خصوصی و عامه، میتواند نتایج مطلوب حاصل گردد.

ظرفیت مالی دولت (و یا ارزش اعتباری) برای تحمل خطر عواید یا خطرات مالی دیگر در یک مشارکت خصوصی و عامه

کشورهای پسا منازعه بشمول دولت افغانستان معمولاً نمیتوانند خطرات مالی پروژه های مشارکت خصوصی و عامه را بدون حمایت تمویل کنندگان بین المللی یا موسسات اعتباری تحمل نمایند.

پیگرد سوابق در رابطه با احترام به قراردادهای و اجراءات تحت مشارکت خصوصی و عامه توسط دولت

تمام مشارکتهای خصوصی و عامه روی قرار دادهای در میان سکتور عامه و خصوصی استوار است. سکتور خصوصی باید به تمام ابعاد یک پروژه خاص و همچنان رابطه آن با شریک خود یعنی دولت، راضی باشد. این امر مشتمل است بر:

- تعهد درازمدت پایدار دولت برای تطبیق و حمایت از پالیسیها و پروژه های مشارکت خصوصی و عامه
- درک این امر که باید برای سکتور خصوصی اجازه داده شود تا منفعت کافی در مقابل با خطری که متقبل میگردد، حاصل نماید.
- سکتور خصوصی باید اطمینان لازم را داشته باشد که بعد از اخذ امتیاز مشارکت خصوصی و عامه میتواند آنرا به اساس شرایط توافق شده بدون مداخله تطبیق نماید.
- سکتور خصوصی باید مطمئن باشد که قوانین بطور همسان و منصفانه تطبیق میگردد، و مهمتر از همه اینکه قادر خواهد بود در صورت ناکامی دولت در انجام مسئولیتهای قراردادی خود، میتواند جبران خساره اخذ بدارد.

- فراهم سازی زمینه تدارک کالا و خدمات برای سکتور عامه، و صرفنظر کردن از اخذ سود از سکتور خصوصی بطور دراز مدت در ساختارهای زیربنایی (بعضا برای تسهیل این امر قوانین موجود میتواند تعدیل گردد و بعضاً هم باید قوانین جدید مشارکت سکتور خصوصی و عامه باید تصویب گردیده یا قراردادهای دوجانبه منحصی یک اساس برای برنامه های مشارکت سکتور خصوصی و عامه بطور جدا گانه یا قبل از اینکه یک قانون وسیع ایجاد گردد، مورد استفاده قرار گیرد).

- تنظیم ملکیت، گروهی/ پرداخت قرضه نقدی و سلب حق رهن از زمین و دارایی های دیگر. این ننتها به نگرانی های داخلی رسیدگی کرده بلکه اساس لازم را برای شرکتها خارجی ایجاد مینماید تا آنها بتوانند مالک سرمایه های خود بوده و از آن استفاده نمایند و یا از بین ببرند. بطور مثال، برای کامیابی مناقصات بین المللی، شرکاء بین المللی میخوانند یک اندازه کنترول را بالای تصدی اعمال نمایند.

- فراهم سازی زمینه حل موثر منازعات.

- مسایل مربوط به ورشکستگی، حسابدهی و دیگر موضوعات عام تجارتي².

ظرفیت و درک دولت برای تطبیق و نظارت از مشارکت سکتور خصوصی و عامه

دولت منحصی یک طرف قرارداد و یک آغاز کننده مشارکت سکتور خصوصی و عامه باید ظرفیت و توانایی تطبیق مشارکت سکتور خصوصی و عامه را داشته باشد. این شامل توانایی انجام مسایل آتی میگردد:

- انتخاب پروژه ها و سرمایه گذارها برای تدارک مشارکت سکتور خصوصی و عامه.

- انجام یک سلسله مساعی ابتدایی و مطالعه امکانپذیری برای مناسب بودن مشارکت سکتور خصوصی و عامه و ایجاد بهترین ساختار برای این مشارکت.

- ایجاد یک پروژه خاص برای مناقصه که در برگیرنده معیارها و پروژه بیرون نویس کردن نام، تهیه راهنمای مناقصه، تهیه فارم قرار داد مشارکت سکتور خصوصی و عامه، پخش معلومات، ارزیابی مناقصه، و پروژه انتخاب و اعطاء قرار داد، باشد.

- مذاکره شرایط مشارکت سکتور خصوصی و عامه با طرف ایکه امتیاز برایش اعطاء گردیده است.

- نظارت از تطبیق مشارکت سکتور خصوصی و عامه.

- آماده خدمت برای انجام مسئولیتهای دولت تحت مشارکت سکتور خصوصی و عامه.

اداره پروژه رقابتی به طریقه بلند بردن ارزش یک چالش بزرگ برای سکتور عامه تلقی میگردد. حتی با تجربه ترین دولتها به محدودیت های خود اعتراف نموده و در این قسمت از ماهرین (تخنیکی، قانونی، مالی و غیره) خواستار کمک میگرددند. یک راه

مهارت‌های سکتور خصوصی داخلی و توانایی تحمل خطرات مربوط به مشارکت خصوصی و عامه

تجارب نشان داده است که مشارکتهای خصوصی و عامه در بخش ترانسپورت ضرورت به یک اندازه وقت دارد و معمولاً برای حصول پول نقد از مسافری بین المللی و مصرف کنندگان و شرکتها، بالای بنادر و میدانهای هوایی توجه مینمایند. پروژه های خالص ترانسپورت داخلی تنها در کشورهای پسا منازعه بلکه حتی در کشورهای روبه انکشاف بصورت عموم، خیلی چالش برانگیز است. با انهم اکثر اوقات مجتمعات محلی علاقمندی نشان میدهند که با هم یکجا گردیده و خدمات لازم را با نظارت و حمایت خیلی محدود دولتی ارایه بدارند.

یک مانع عام برای سهم گیری در مناقصه رقابتی مشارکت خصوصی و عامه برای سکتور خصوصی داخلی، عدم علاقمندی و توانایی آنها و بعد هم تنظیم آن به اساس شرایط قرارداد میباشد. تجارب نشان میدهد که این وقت زیادی را برای سکتور خصوصی داخلی دربر خواهد گرفت تا توانایی، ظرفیت و علاقمندی برای شرکت در مناقصه برای پروژه های مشارکت خصوصی و عامه و تطبیق آن را حاصل نماید.

علاقتمندی سکتور خصوصی بین المللی در کشور

در کشورهای مثل افغانستان، علاقمندی سرمایه گذاران بین المللی معمولاً ضعیف یا محدود به چند سکتور کلیدی و یا مجتمع تبعیدی میباشد.

- در اینجا لازم است تا یک علاقمندی برای مشارکت خصوصی و عامه از جانب دولت، سکتور خصوصی و استفاده کنندگان نهایی یعنی مردم عام وجود داشته باشد.

- همچنان لازم است این اطمینان حاصل گردد که دیگر مزاحمت های برای فعالیتهای اقتصادی بمیان نخواهد آمد.

برای تداوم نکات فوق، با در نظر داشت ماهیت درازمدت سرمایه گذاریهای مشارکت خصوصی و عامه، لازم است، تا به قدر کافی ثبات سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد.

در بخش انرژی، تجربه این است که بعد از استقرار، سالیهای زیادی (از قرار گزارش سکرتریت کشورهای مشترک المنافع 6 الی 7 سال) را در بر میگیرد که مشارکت خصوصی و عامه ممکن گردد و بعد هم صرف در تولید برق.

بخش آب و مراعات اصول بهداشت وقت بیشتر میخواید و نمونه های مشارکتهای خصوصی و عامه در این بخش در کشورهای پسا منازعه خیلی محدود است. حتی در کشورهای رو به انکشاف ساختارهای مشارکت خصوصی و عامه تمایل دارد تا کوتاه تر / ساده تر و متنوع باشد.

برق و ترانسپورت خط آهن بیشتر از نصف مشارکتهای محدود خصوصی و عامه را در افریقا تشکیل میدهد. بهر حال در ابتدا این امر نسبت عدم موجودیت زیربنا در افغانستان قابل تطبیق نیست در حالیکه اداره همچو زیربناها منحیث یک قوه محرک در نمونه های افریقایی قرار داشت.

ملاحظات بخصوص در رابطه با مشارکتهای خصوصی و عامه برای زیربنایهای اجتماعی

فرق کلیدی زیربنای اقتصادی با پروژه های زیربنای اجتماعی این است که از مصرف کنندگان توقع میگردد که تمام مصارف لازم خدمات سکتور خصوصی را برای تقبل خطر مارکیت و عواید که از لحاظ سیاسی و اجتماعی ناممکن و غیر مناسب است، بپردازند (این همچنان میتواند در پروژه های مناطق دور دست کشور که میتواند در یک چارچوب روستایی پایدار بماند، تطبیق گردد). در عین وقت، این خدمات حتمی پنداشته شده و توجه آن روی پروسه بازسازی است. این امر همراه است با موانع سبببندی دولتی که میکانیزم ارایه مشارکتهای خصوصی و عامه را قابل توجه میسازد.

سکتورهای کلیدی ای که مشارکتهای خصوصی و سکتور عامه اجتماعی میتواند در آن مفید باشد، شامل صحت، تعلیم و تریبه و میراث فرهنگی میگردد.

مشارکتهای خصوصی و عامه سکتور اجتماعی همچنان میتواند منحیث یک پروژه امتحانی عمل نموده و از اینطریق دولت و سکتور خصوصی در رابطه با ارایه خدمات مشارکتی تجربه حاصل نمایند. معمولاً، این نقش را موسسات غیر دولتی ایفاء مینمایند. بطور مثال در سکتور صحت افغانستان تجارب موسسات غیر دولتی در این رابطه بیشتر است.⁴

مظاهر کار با موسسات غیر انتفاعی مشتملند بر:

- به مانند عاملین دیگر سکتور خصوصی، موسسات غیر دولتی میتوانند نسبت به دولتی انعطاف پذیرتر (بطور مثال در استخدام کارمندان) و مبتکر تر باشند.
- موسسات غیر دولتی میتوانند با عواید کمتر نسبت به شرکتها انتفاعی فعالیت نمایند. این در حالات تلخ و ناسازگار که در قسمت

3. چطور میتوان مشارکتهای خصوصی و عامه را در کشورهای پسا منازعه تطبیق کرد

با وجود تمام این چالشها، تجارب نشان داده است که مشارکتهای خصوصی و عامه میتواند در کشورهای پسا منازعه تطبیق گردیده و با گذشت زمان مبدل به یک عامل بالقوه برای کمک به ارایه خدمات موثر عامه گردد. یک گزارش دار الانشاء کشورهای مشترک المنافع³ حاکی از این است که: " تجارب حاصله تا حال نشان میدهد که عامل بالقوه برای مشارکت خصوصی و عامه در عرصه زیربنایی که سکتور خصوصی باید یک اندازه خطر را در سرمایه گذاری و یا ارایه خدمات متقبل گردد، با گذشت زمان و با بمیان آمدن ثبات بیشتر افزایش خواهد یافت. با وجود اینکه میتواند یک پروسه بطی باشد، نه طولانی.

در کدام سکتورها مشارکت خصوصی و عامه میتواند بطور موفقانه انجام گردد

در کشورهای پسا منازعه، مشارکتهای ابتدایی خصوصی و عامه بیشتر در سکتورهای در حال رشد تجارتي که ضرورت به حمایت خیلی محدود دولتی دارد، و همچنان زمینه عواید اسعار خارجی در آن مساعد است صورت میگیرد. یک مثال اساسی در این قسمت مخابرات میتواند باشد که اولین سکتوری بود که شروع به فعالیت نمود (چنانچه در افغانستان و بعضی کشورهای پسا منازعه افریقایی صورت گرفت). استخراج منابع طبیعی چون نفت و گاز یا فلزات مختلف نیز برای مراحل ابتدایی مشارکتهای خصوصی و عامه آماده هستند (با در نظر داشت منابع طبیعی بسیار زیاد این امر در افغانستان صدق مینماید) بخصوص با در نظر داشت قبول خطر ای که شرکتها نفت و گاز بین المللی برای سرمایه گذاری در شرایط چالش برانگیز در سرتاسر جهان اتخاذ مینمایند.

1 تشریح گردید و می‌تواند اولین قدم در راستای تمویل دوامدار مشارکتهای ابتدایی خصوصی و عامه انقدر عملی نیست، مفید ثابت گردد.

- به هر حال این خیلی مهم است که به تداوم دراز مدت این خدمات توجه صورت گیرد. هر قدر که تقاضا بیشتر گردد به همان اندازه توقعات ارایه خدمات مجانی و سبسایدی افزایش یافته و یک میکانیزمی برای رسیدگی به این نیازمندی باید وجود داشته باشد. بعضی از موسسات غیر دولتی (موسسات بزرگتر بین المللی) شاید بتوانند وجوه قراردادها را از طریق منابع خود تکمیل نمایند. در بعضی دیگر، یک روش دوامدار با قیمت بلند می‌تواند در نظر گرفته شود.
- میکانیزمهای تعامل بین دولت و سکتور غیر انتفاعی می‌تواند گفت و شنود سازنده را تقویت نماید.

کاملا به مانند زیربنای اقتصادی، قراردادها باید رقابتی باشد، تا مهیا کنندگان تشویق گردیده و کیفیت و موثریت را حفظ نمایند. همچنان به مشخصات قرار داد و نظارت از تطبیق باید رسیدگی صورت گیرد. مصارف نظارت ارتباط به ظرفیت دولت دارد که چطور می‌تواند آنرا پیش ببرد.

چطور میتوان نیروی مشارکت خصوصی و عامه را در کشورهای پسا منازعه افزایش داد

با در نظر داشت (1) مسائل خلاء امکانپذیری، (2) اختلاف بین توقعات سکتور خصوصی و آنچه که دولت می‌تواند ارایه و یا متحمل گردد، (3) کمبود قوانین و مقررات و (4) عدم اعتبار دولت منحصی یک شریک قرار داد، مشارکتهای خصوصی و عامه باید حتماً به موسسات بیرونی بشمول تمویل کنندگان مختلف، متکی باشد.

برای تحقق مشارکتهای خصوصی و عامه موسسات تمویل کنند ضرورت دارند تا در مسایل آتی کمک نمایند:

- طرح
- تدارک
- قوانین افزایش اعتبار مالی قابل ملاحظه (در اصل تضمین و یا حمایت از مسئولیتهای دولت) و سبسایدی
- مثالهای زیادی از این نوع حمایت تمویل کنندگان حتی در کشورهای بیشتر انکشاف یافته وجود دارد.

• بانک جهانی و بانک آسیایی ضمانتهای را برای حمایت از مسئولیتهای دولت در فروش شرکت ملی انتقال برق در فلپین ارایه میدارند.

• ارایه سبسایدی ها توسط موسسات مختلف تمویل کننده برای تحقق پروژه برق پامیر در تاجکستان.

ما باید در رابطه با مشارکتهای خصوصی و عامه در سطح پایین یعنی مجتمع محلی نیز فکر نماییم. به نمونه مثال، حل مسئله تهیه برق در سطح روستائی با همکاری شرکت کنندگان/متشبهین- این شامل یک شکل ساده مشارکت خصوصی و عامه با ردگیری سریع و شاید هم شامل مشارکت موسسات غیر دولتی گردد.

عدم موجودیت ظرفیت دولتی می‌تواند یک فرصت تلقی گردد. اکثر خدمات دولتی برای قرار داد با سکتور خصوصی مناسب است.

این می‌تواند تنظیم معاشات خدمات ملکی، ادوکه رساندن، پروسس پاسپورت یا دیگر اسناد قانونی، تا تهیه ساختمانهای جدید و برنامه های آموزشی را در برگیرد. تمام اینها می‌توانند موضوعات مشارکت خصوصی و عامه باشند. مسئله کلیدی این است که باید از وزارتها یا موسسات دولتی ایکه برای قرار داد با سکتور خصوصی آماده هستند آغاز و بعضی پروژه های امتحانی را افتتاح نمود، که بعداً میتوان آنرا در سرتا سر خدمات و عرصه های مختلف دولتی توسعه داد. استفاده از فرصتهای سرمایه گذاری در سکتورهای تجاری برای بسیج منابع در سرمایه گذاری زیربنایی (جواز تجارت + مسئولیت برای ارایه خدمت).⁵

در ابتدا قرار دادها باید کوتاه مدت باشد تا برنامه ریزان سکتوری قادر به آموختن و شامل ساختن تغییرات در ساختارهای مشارکت خصوصی و عامه آینده و همچنان تنظیم و مسیر استراتژی یک دولتی، گردند.

توقع بسیار زیاد نباید داشته باشید- زیربنای خصوصی در بازار های کم درآمد به آهستگی بلند میشود.

انعطاف پذیر و نو آوری کننده باشید- به فرصتهای توجه داشته باشید که نمیتواند در چارچوب تعریف سنتی یک مشارکت خصوصی و عامه بگنجد- هر چیزیکه می‌تواند تهیه سرمایه و مهارتهای سکتور خصوصی را کنترل نموده و برای حمایت از خدمات عامه کمک نماید، در نظر گرفته شود.

بررسی موردی 1: راه حل‌های موقت خلاق برای تشویق مشارکت سکتور خصوصی در تهیه خدمات اساسی برای عامه (کمبودها)

یک تصادف عمومی در کشورهای در حال منازعه و پسا منازعه میان آمدن تهیه کنندگان خصوصی کوچک غیر تنظیم شده در بخش زیربنایی، بخصوص در بخش برق و تهیه آب میباشد.

بخاطریکه تهیه کنندگان کوچک خدمات خصوصی در واکنش به عدم موجودیت دولت به میان آمده اند، آنها معمولاً بدون جواز، غیر تنظیم شده فعالیت نموده و همیشه توسط تسهیلات عامه که سعی دارند حقوق خاص خود را تثبیت نمایند، منحصی یک چیز ادیت کننده تلقی میگردند.

کیفیت خدمات تهیه شده توسط این شرکتهای خصوصی معمولاً پایین و قیمت آن بلند است. بهر حال، بجز اینها بدیل حقیقی دیگر چون سرمایه گذاران بین المللی و حتی تاسیسات خدمات رفاهی دولتی برای مناطق روستائی و مجتمعات نزدیک شهر در اکثر کشورهای پسا منازعه وجود ندارد - و بهیچوجه خدمات گفته نمیشود.

با وجود تمام کمبودهای آنها، این شرکتهای خصوصی کوچک معمولاً خدمات حیاتی ایرا برای مجتمعات ارایه میدارند که در کوتاه مدت و یا میان مدت توسط دولت ممکن نیست. با درک این نقش، کشورهای پسا منازعه چون موزمبیق، سریلانکا، السلوادر و کمبودها مقرراتی را برای شناخت تهیه کنندگان خصوصی، تشویق موثریت از طریق انجمنها، ادغام و تقارب شرکتهای مطرح نموده و همچنان حد اقل نظارت را برای کم ساختن مسایل جدی چون کرایه و کمبودهای کیفی خدمات، معرفی مینمایند.

کمبودها: تهیه مقیاس کوچک منحصبت یک راه حل موقت برای ارایه خدمات⁶

متکی به معیشت زراعتی بودند. آنهایکه دسترسی به انرژی برق داشتند باید فی کیلووات در ساعت 0.4 سنت کمتر از 1/10 هزینه تولید را میپرداختند. تحت این شرایط، جلب سرمایه گذاری خصوصی در سکتور انرژی با روشهای سنتی غیر ممکن بود.

تخمین گردیده است که میان 600 و 1000 سیستم های کوچک خصوصی برق در کمبود فعالیت نموده و برای نیم میلیون مشتری (تقریباً به اندازه خانواریکه یک شرکت ملی برق میتواند خدمت نماید) خدمت مینمایند. اکثر این متشبهین موسسات تجارتي قبل از تشکیل حکومت موقت در وسط سالهای 1990 تاسیس شده و به ارایه خدمات خود برای مجتمعات ادامه میدهند که در غیر اینصورت نمیتوانستند تحت پوشش هیچ شبکه برق قرار گیرند. در مجموع تمام این شرکتهای مستقل و کوچک ظرفیت تولید برق را برای نصف این کشور دارا هستند. اکثر اینها مصارف برق مشتریان خود را به اساس یک قیمت یکسان و یا بشکل انفرادی، اندازه گیری مینمایند. آنها 200 خانوار را برای هر تجارت خود اوسط قرار داده اند. برای درک اهمیت آنها، استرانیژی ملی تهیه برق روستایی که توسط تمویل کنندگان حمایت میگردد، میخواهد تمام تهیه کنندگان کوچک برق را به شرکت های توزیع محلی تبدیل نماید، زیرا انتقال برق در سرتاسر کشور قرار است توسعه یابد.

شرکت انرژی برق پامیر با سرمایه گذاری مشترک 70 در صد AKFED و 30 در صد IFC در سال 2002 تاسیس گردید. AKFED 8 میلیون دلار را در قسمت دارایی سرمایه گذاری نموده و IFC 3.5 میلیون را در قسمت دارایی و 4.5 میلیون را بطور قرضه تعهد نموده است. شرکت انرژی برق پامیر تحت یک قرار داد امتیاز انحصاری 25 ساله برای فعال نگهداشتن سرمایه های خدمات برقی مناطق پامیر، بهبود زیربنای انتقال برق و ظرفیت تولید برق آبی و همچنان تنظیم سطح دریاچه یاشیکول برای تامین جریان مناسب آب در خلال زمستان، فعالیت مینماید. شرکت انرژی برق پامیر همچنان مسئولیت تهیه برق را برای 30,000 مشتری موجود و 595 کارمندان خود متقبل میگردد.

شرکت های خصوصی تصفیه و توزیع آب از طریق سیستم پایپ و میتر اگرچه در مقایسه با شرکتهای کوچک تهیه برق تعدادشان کمتر است اما در سرتاسر کمبود در مناطق بیرون از شهر وجود دارند. تمام شرکتهای تهیه آب به اساس سرمایه محلی بنا گردیده و خدمات ایکه مردم روستایی به آن اشد ضرورت داشتند، ارایه میدارند. با درک اهمیت این شرکتهای فعالیتهای اخیر تمویل کنندگان در کمبود سعی نمودند تا توسعه آنها را در سرتاسر ولایات از طریق تهیه سبسایدی و قراردادهای کرایه، طرح ساختمان که خطر سرمایه گذاری را کاهش میدهد، تشویق نمایند.

پروژه انرژی برق پامیر یک ابتکار خوبی از روش خصوصی و عامه را برای فایق آمدن بالای یک سلسله از چالشها بشمول توانایی محدود پرداخت هزینه خدمات برق توسط مشتریان را نشان میدهد. این پروژه یک قدم جدید در راستای همکاری میان سرمایه گذاران، موسسات انکشافی، تمویل کنندگان دوجانبه، دولت و تمویل کننده پروژه، بحساب میآید.

یکی از مظاهر کلیدی این پروژه طرح تحفظ اجتماعی آن که یک تعرفه قابل پرداخت را برای مصرف کنندگان وضع مینماید، میباشد. در حالیکه تعرفه های دریافت شده توسط سرمایه گذاران متناسب به میزان عوایدی است که میتواند خطرات موجود در همچو پروژه ها را جبران نماید.

نتیجه گیری:

این مثال، درسهای مهمی را در زمینه با افغانستان ارایه میدارد، بخصوص در قسمت تهیه آب و برق برای مجتمعات روستایی در مناطق دور افتاده، که نمیتوانند خدمات دولتی را در آینده قابل پیش بینی دریافت نمایند.

بررسی موردی 2: انرژی برق پامیر، تاجکستان: حمایت تمویل کنندگان تحفظ اجتماعی را در چارچوب یک مشارکت خصوصی و عامه برای تولید انرژی در یک وضعیت پسا منازعه تامین مینماید.

با سقوط اتحاد شوروی سابق، شرایط مناطق کوهستانی پامیر تاجکستان بطور قابل ملاحظه به وخامت گرایید. زیربنای نیروی برق در یک وقت بسیار کم نیاز به ترمیم پیدا نموده، دستگاه ها و اکثر شبکه های توزیع برق در خلال جنگ داخلی سال 1992 تخریب گردیده بود. وقوع رکود اقتصادی (تولید ناخالص ملی به 60 در صد کاهش رسیده بود) و اهمال خدمات برق ملی 43 در صد خانه ها را در خلال زمستان شدید که درجه حرارت به منفی سی درجه سانتیگراد میرسد، از نعمت برق محروم میساخت. مکاتب، مراکز صحتی و موسسات تجارتي کوچک مجبور بودند فعالیتهای خود را در خلال ماه های زمستان توقف داده و از رشد اقتصادی و بشری باز مانند. از اینکه اکثر مردم مجبور بودند از چوب برای تسخین و یخت و پز استفاده نمایند در نتیجه 70 در صد جنگلات این مناطق از بین رفت. تنفس دود ناشی از سوخت چوب در خانه ها باعث افزایش بیماری های تنفسی گردید.

موسسه انکشاف بین المللی بانک جهانی 10 میلیون دلار را به حساب 0.75 فیصد بطور قرضه برای دولت تاجکستان ارایه نموده است. این وجوه به سود کم شش در صد برای شرکت انرژی برق پامیر ارایه گردیده است، تا شرکت مذکور بتواند سرمایه گذاریهای ثابت خود را به هزینه کمتر از شرایط تجارتي انجام داده و پس انداز خود را بشکل تعرفه های پایین برای مشتریان انتقال دهد. این 5.25 درصد تفاوت قرضه جمع 5 میلیون کمک بلاعوض دولت سوئیس برای دولت تاجکستان به مقصد سبسایدی تعرفه ها استفاده گردیده، تا هزینه ماهانه برق پایین آمده و حتی فقیر ترین فامیلهای بتوانند آنرا پرداخت نمایند. یک چیز دیگر ایکه در قسمت تعرفه در نظر گرفته شده است "سبسایدی اوایل سال" است - یک دوره مهلت ابتدایی طولانی که زمینه بلند رفتن تدریجی تعرفه ها را مساعد ساخته و خطر سرمایه گذاری را کاهش و تعرفه ها را قابل پرداخت میسازد.

تجارب برای افغانستان:

- جذب سرمایه گذاری خصوصی برای تهیه خدمات زیربنایی حتی در زمینه های خیلی پر خطر، ممکن است، بشرط مشارکت ام اف آی از مراحل اولیه.
- ترکیب ابتکاری کمکهای بلاعوض بین المللی و قرضه های امتیازی همزمان با تحفظ اجتماعی برای مشتریان، میتواند میزان عواید قابل قبول را برای سرمایه گذاران خصوصی تامین نماید.

در این وقت در آمد سرانه در تاجکستان به 160 دلار در سال تخمین، و 60 تا 80 در صد مردم تحت خط فقر زندگی نموده و

4. مشارکتهای خصوصی و عامه در افغانستان- کامیابیهای اولیه

مزید بر این خلاء موسساتی کشورهای پسا منازعه که در بخش نوم روی آن بحث گردید، در افغانستان نیز صدق مینماید:

- ظرفیت پروسس و درک مشارکت خصوصی و عامه دولت
- ظرفیت سکتور خصوصی داخلی برای انجام مشارکت خصوصی و عامه (بشمول مهارتهای لازمی در موسسات تجارتي برای: بطور مثال، طرح یک برنامه تجارتي)

بررسی موردی 3: بسته اساسی خدمات صحتی (BPHS): تهیه زیربنای اجتماعی- فعالیت مشترک دولت و سکتور غیر انتفاعی

در سال 2002 افغانستان دارای بدترین شاخص های صحتی در سطح جهان بود. میزان مرگ و میر کودکان 165 در هر 1,000 تولد زنده و میزان مرگ و میر مادران 1,600 در هر 100,000 تولد بوده و بیشتر از 25 درصد اطفال قبل از رسیدن به سن پنج سال فوت میکردند. ظرفیت تهیه خدمات صحتی برای مردم و دسترسی وزارت صحت عامه برای مراقبت از عرضه این خدمات خیلی پایین بوده و مسئولیت ارایه خدمات صحتی را در خلال سالهای جنگ موسسات غیر دولتی بعهده داشتند. این امر باعث عدم موجودیت کنترول موثر کیفیت و معیارها و سیستم های یکسان در سرتاسر کشور گردید. بیشتر از 60 درصد مردم در سرتاسر کشور به هیچ نوع خدمات اساسی صحتی دسترسی نداشتند.

بسته خدمات اساسی صحتی (BPHS) برای این ایجاد گردید تا شاخصهای تکان دهنده صحتی را در کشور بشکل ذیل بهبود نماید:

- تامین نمودن زمینه دستیابی به خدمات صحتی برای تمام مردم
- متحد ساختن ارایه خدمات صحتی و قرار دادن فعالیتهای پراکنده صحتی تحت کنترول دولت
- ایجاد معیارهای ثابت برای ارایه خدمات اساسی صحتی

میکانیزمها و ساختارهای عمده مشتملند بر:

- دولت باید منحصیث یک کارپرداز و مالک سیستم صحت عامه عمل نماید، لیکن مستقیماً در ارایه خدمات اساسی سهم نگیرد.

تهیه کنندگان خدمات اساسی صحتی (که فعلاً تعداد آنها به 27 موسسه غیر دولتی ملی و بین المللی میرسد) بسته خدمات اساسی صحتی را از طریق قرار داد با وزارت صحت عامه تطبیق مینمایند.

هر یک از موسسات غیر دولتی اینکه خدمات توضیح شده در بسته خدمات اساسی صحتی را تهیه مینمایند بشمول تعریفات واضح در مورد استخدام کارمندان، وسایل، خدمات تشخیصیه، و مقتضیات نداوی باید توسط تسهیلات اساسی مختلف صحتی ارایه گردد.

سهم گیری فعال مجتمعات محلی از طریق فراهم سازی زمین و کارگر برای ساختمان تسهیلات صحتی، آموزش کارکنان صحتی محلی و ایجاد کمیته های صحتی محلی.

بسته های خدمات اساسی صحتی 100 در صد توسط دونه های تمویل میگردد. کمکهای بلاعوض موسسات تمویل کننده از طریق واحد کمکهای بلاعوض وزارت صحت عامه برای موسسات غیر دولتی اینکه خدمات صحتی را ارایه میدارند پرداخت میگردد. قابل یاد آوری است که قرار دادها از طریق مناقصه رقابتي صورت میگيرد.

افغانستان شاهد فعالیتهای قوی متکی به بازار متشبهین سکتور خصوصی در سطح بسیار پایین تجارت بوده است، اما برای رشد این مساعی در سطوح بالا موانع مختلفی وجود دارد. اکثر فعالیتهای ایکه در سطح متوسط انجام یافته است در جهت پروژه های ساختمانی تمویل شده گان و یا کالاهای مصرفی بوده است (بطور مثال فابریکه کواکولا، تجارت چای، سگریت و مواد سوخت) نه در جهت ارایه خدمات درازمدت.

پالیسی مثبت افغانستان در قبال سرمایه گذاری سکتور خصوصی خیلی تشویق کننده است (بطور مثال از طریق ایسا) اما با وجود اینکه چندین قانون کلیدی تصویب گردیده و یا روی آنها بحث جریان دارد، هنوز هم نگرانیهای در مورد فضای قانونی و تنظیمی بخصوص در رابطه با نکات آتی وجود دارد:

- پروسه شفافیت، بشمول نقش وزارتها در مقابل با تنظیم کنندگان
- ثبات دراز مدت چارچوب های قانونی و تنظیمی که اخیراً تطبیق گردیده است

بهر حال، بعضی کامیابی های واضحی در رابطه با سهم گیری سکتور خصوصی در پروژه های شبیه به مشارکت خصوصی و عامه تحت شرایط مناسب، امکانپذیری آنها نشان داده است:

- مخابرات- صدور جواز تیلفون

سکتور منظم بانک داری سرمایه گذاری را جذب نموده و اکنون به شکل رقابتي اگر چند در یک سطح پایین در حال پیشرفت است. شرایط فرضیه های کوچک نیز در حال فراهم شدن است.

بعضی سکتورهای دیگر نیز برای سرمایه گذاری سکتور خصوصی مساعد است:

- استخراج معادن نفت و گاز- صدور جواز استخراج و تصفیه نفت و گاز جریان دارد

تولیدات مواد سوخت- بیشتر از طریق سکتور خصوصی صورت میگيرد نه مشارکت خصوصی و عامه

سمنت- یک نمونه خوب جواز سرمایه گذاری که برنده مناقصه یک سلسله مسئولیت های اجتماعی را بعهده میگيرد (بطور مثال حفظ کارمندان و تهیه برق اضافی برای شبکه).

دولت افغانستان از قبل یک تعداد برنامه های خیلی موفقانه زیربنای اجتماعی را در چارچوب مشارکت خصوصی و عامه چون سکتور صحت (بسته اساسی خدمات صحتی) و در بخش انکشاف دهات (برنامه همبستگی ملی) را تطبیق نموده است. هر دوی این پروژه ها در مشارکت با سکتور موسسات غیر دولتی و غیر انتفاعی ملی و بین المللی تطبیق گردیده است.

مسائل زیادی هنوز باقیست تا اینکه یک مارکیته مشارکت خصوصی و عامه پر تیش بمیان آید. بعضی از ساختارهای اساسی که تا هنوز بمیان نیامده است، شامل عدم موجودیت قرضه های کلان و درازمدت بانکهای تجارتي (و در میان مدت و دراز مدت بازار اوراق قرضه) بیمه تجارتي، استفاده زمین و سیستم قبایله، سیستم قضایی مطمئن، بشمول تطبیق امتیاز، و همچنان رغبت سرمایه گذاران خارجی نسبت و خامت وضعیت امنیتی، میباشد.

بعضی ملاحظات خاص و عملی در مورد اینکه چطور میتوان پروسه مشارکت خصوصی و عامه را آغاز کرد، قرار نایل است:

تطبیق پروژه های امتحانی

از بعضی پروژه های امتحانی که دارای اساسات قوی اقتصادی است و ضرورت به حد اقل مداخله دولت دارد، اما تجارب حاصله از آن میتواند در پروژه های دیگر در آینده مورد استفاده قرار گیرد، تجربه حاصل نمود:

• ایجاد محیط مناسب، بشمول یک تعداد قرار دادهای نمونه.

• استفاده از تجارب خارجی

• تامین روش مناقصه باز و شفاف

• درخواست از تمویل کنندگان برای اعتبار مالی/حمایت قرار دادی لازم برای اولین مشارکت های خصوصی و عامه و همچنان حمایت از تمام پروسه تدارک مشارکت خصوصی و عامه.

• کنترل منابع و تواناییهای موسسات غیر دولتی.

همچنان لازم است یک سلسله مشارکت های خصوصی و عامه کوچک بطور سریع در سطح محلی از طریق قرضه های کوچک راه اندازی گردد. لازم است برای خدمات اساسی دولت به تهیه خدمات قرار داد از طریق حمایت موسسات مالی بین المللی و موسسات غیر دولتی توجه گردد.

ادامه بهبود فضای عمومی تجارت

با در نظر داشت چالشهای موجود برای مشارکت های خصوصی و عامه در افغانستان، دولت باید فضای مناسب و شرایط سرمایه گذاری جلب کننده را برای سکتور خصوصی مهیا سازد. این مسئله در بخش دیگر کنفرانس تحت پوشش قرار گرفته است، از اینرو از توضیحات بیشتر در این مورد صرف نظر مینماییم.

توسعه بیشتر چارچوب مقرراتی:

• ایجاد تنظیم کنندگان مستقل و حقیقی چون (TRAA) برای سکتورهای کلیدی.

• اجازه دآوری ساحلی یا اقدامات بی طرفانه دیگر برای حل مناعات.

توجه روی پالیسی و ارتقای ظرفیت دولت

• برای اینکه دولت افغانستان باید در رابطه با مشارکت خصوصی و عامه منحنی جزء برنامه توسعه سکتور خصوصی خود، تعهد واضح داشته باشد مدیریت سیاسی لازمی است.

• کوشش برای افزایش اعتبار دولت منحنی طرف قرارداد. باید از بخشهای قابل تغییر دولت آغاز گردد.

• ارتقای ظرفیت (بشمول واحد مشارکت خصوصی و عامه) دولت (وزارت مالیه) و وزارت های کلیدی ذیربط حسب ضرورت و پیهم با پروژه های امتحانی مشارکت خصوصی و عامه.

• آغاز ارتقای ظرفیت میان مدت برای اعطاء مشارکت خصوصی و عامه در بخش سکتورهای اساسی تاسیسات رفاهی، چون برق،

یکی از کامیابی های عمده بسته خدمات اساسی صحتی از آغاز آن در سال 2002 افزایش قابل ملاحظه دسترسی مردم به بسته خدمات اساسی صحتی از تحت 40 در صد به تقریباً 77 در صد تا وسط سال 2005 میباشد. این همچنان باعث هم آهنگی و توحید اولویتهای سیستم صحتی افغانستان گردیده و زمینه تصامیم واضح را در رابطه با جهت دهی سیستم صحتی و معیاری ساختن تسهیلات آن فراهم ساخته است.

چالشهای کلیدی مربوط به مسایل تداوم مالی، رقابت و نقش دراز مدت دولت در رابطه با ارائه خدمات اساسی صحتی:

• وجوه مالی بسته خدمات اساسی صحتی 100 در صد توسط تمویل کنندگان تامین میگردد. در حالیکه اخذ فیس در بدل ارائه خدمات صحتی اجازه داده شده است، اما پوتنشیل جبران مصارف از طریق فیس بخصوص در مناطق دور دست، خیلی پایین است.

• تامین وجوه مالی کافی برای بسته خدمات اساسی صحتی از طریق عواید دولتی در آینده قابل پیش بینی غیر واقعینانه است. از اینرو این سوال مطرح میگردد که در صورت خستگی موسسات تمویل کننده چه واقع خواهد شد؟

• رقابت برای اخذ قرار داد های مناطق دور دست خیلی پایین است. این مسئله مشکل رسیدگی به 33 درصد باقی مانده نفوس ایکه به بسته خدمات اساسی صحتی دسترسی ندارند، بیشتر خواهد ساخت. این یک عامل دیگر عدم موثریت ارائه خدمات عالیتر سکتور خصوصی شده میتواند.

• دولت در رابطه با استفاده از موسسات غیر دولتی برای ارائه خدمات صحتی در دراز مدت ملاحظاتی دارد. این از یک طرف ارتباط میگیرد به عدم اطمینان دولت در مورد تعهد دراز مدت موسسات غیر دولتی بین المللی و از طرف دیگر میخواهد مشروعیت خود را از طریق ارائه خدمات صحتی بیشتر سازد.

نتیجه گیری:

• یک روش موثر استفاده از تجارب و زیربنای سکتور خصوصی غیر انتفاعی، با حفظ کنترل و مالکیت دولت، کیفیت و تحت پوشش قراردادن منظم تمام مردم.

• در صورت عدم موجودیت رقابت قوی از موثریت و کارکردگی سیستم در دراز مدت باید نظارت صورت گیرد.

• تجارب حاصله در خلال مذاکره و مدیریت قرار دادها میتواند برای مشارکتهای خصوصی و عامه دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

5. پیشنهادات برای توسعه مشارکت های خصوصی و عامه موفقانه در افغانستان:

به قول یکی از پالیسی سازان مشارکت خصوصی و عامه در کمیسیون اتحادیه اروپا " مشارکت خصوصی و عامه وقتی به خوبی کار میدهد که یک تعهد واضح پالیسی، خواست دراز مدت سیاسی، مشارکت با کیفیت، شفافیت واضح، ضمانت های واضح مالی و یک محیط با ثبات قانونی از جانب دولت برای سکتور خصوصی وجود داشته باشد." در واقع اکثر اینها تا هنوز در افغانستان وجود ندارد.

آب و ترانسپورت، با در نظر داشت اینکه نتایج فوری غیر ممکن خواهد بود.

درخواست کمک از تمویل کنندگان و موسسات مالی چند جانبه

• از تمویل کنندگان و موسسات متخصص (چون پارتنرشپ یوکی و موسسات مجهز دیگر در سراسر جهان) باید درخواست گردد تا برای ارتقای ظرفیت دولت، منابع و حمایت لازم را فراهم نمایند، تا دولت بتواند مشارکتهای خصوصی و عامه را آغاز نموده و پروسه آنرا رهبری نماید.

• استفاده و توسعه تسهیلات ضمانت خطر سیاسی (چون AIGF- MIGA و بانک انکشاف آسیایی) برای آرامی خاطر سرمایه گذاران و قرضه دهندگان مشارکتهای خصوصی و عامه.

• تشویق و درخواست از تمویل کنندگان برای یکجا ساختن عناصر مشارکت خصوصی و عامه در برنامه های زیربنایی سکتورهای عامه شان البته تا جاییکه کاملاً ممکن است (لیکن وعده های بیش از حد نباید داده شود، زیرا در ابتدا فرصتها خیلی محدود خواهد بود).

• از تمویل کنندگان و موسسات متخصص مشارکت خصوصی و عامه درخواست گردد که برای سکتور خصوصی کمک نمایند، تا از اینطریق ظرفیت سرمایه گذاران مشارکت خصوصی و عامه ارتقاء یابد. (از طریق آیسا و یا یک واحد دیگر که منحیث واحد خدمات مشورتی سرمایه گذاران عمل نماید، بطور مثال ارایه کمک برای سرمایه گذاران که چطور پیشنهاد مزایده خود را تقدیم نمایند، طرح های تجارتي خود را بنویسند و مسئولیتهای مالی خود را ادا نمایند.)

واقع بین باید بود

در ابتدا برای چند وقت فرصتهای مشارکت خصوصی و عامه خیلی محدود خواهد بود، لیکن اگر نمونه های قوی ایجاد گردد، بازار آن آغاز خواهد شد.

¹ بانک جهانی، شرایط سرمایه گذاری در افغانستان: بهره برداری از فرصتها در یک محیط غیر مطمئن، صفحه 24 – 2005
² که طی اسناد دیگر ایکه برای کنفرانس تهیه گردیده است روی آن به تفصیل بحث صورت گرفته است.

³ کنترول تسهیلات مالی موجود برای رشد مشارکت خصوصی و عامه در عرصه سرمایه گذاری زیربنایی و ارایه خدمات در کشورهای پسا منازعه، گزارش نهایی فبرری سال 2005

⁴ مرجع: نتاشا پالمر، لیسلی استرانگ، عبدالولی و لیبیرت سندراپ (قرار داد خدمات صحتی در حالات شکننده و تغیر پذیر، BMJ جلد 332، 25

مارچ 2006
⁵ مرجع: پالیسی عامه برای سکتور خصوصی: بازسازی زیربنا، معاون توسعه سکتور خصوصی بانک جهانی- شماره یادداشت 306 – مارچ 2006

⁶ (از: نقش سکتور خصوصی برای تهیه زیربنا در کشورهای پسا منازعه: الگوها و گزینه های پالیسی، ترتیب شده توسط جوردن شوارتز، شیلی هان، آن بانون، اسناد انکشاف اجتماعی، اسناد جلوگیری از منازعه و بازسازی، سند نمبر 16/ اگست 2004)

⁷ معاون مدیر عمومی رئیس ترین، اتحادیه اروپا در اجلاس مشارکت خصوصی و عامه در بخش ترانسپورت، سال 2005